



انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین



قومی که فقط با خونریزی آرام می گیرد!!

برداشتی از سخنرانی استاد سید حمید روحانی

(نماز جمعه روز قدس، شهر دماوند، مورخ ۹۲/۵/۱۲)

اشاره

متن حاضر برداشت آزادی از سخنرانی استاد سید حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی است که در جمع مردم شهر دماوند در روز جهانی قدس سال ۱۳۹۲ ایراد گردیده است.

با وقایع اخیر و خونریزی‌های وحشیانه زنان و کودکان مظلوم و بی‌گناه فلسطین و لبنان توسط رژیم صهیونیستی اکنون ماهیت واقعی این رژیم سفاک و خونریز بیش از پیش برای مردم جهان بر ملا شده است. تاریخ قوم یهود تاریخ فتنه، جنگ، خونریزی برای سیطره بر ثروت جهان است. به خاطر همین نیت شوم و وحشی‌گری‌ها، بارها از جوامع بشری رانده شدند. اغلب جوامع اروپایی برای این که از شر جنایت‌ها و فتنه‌انگیزی‌های اینها در امان باشند در طول تاریخ ورود یهودیان را به سرزمین‌های خود ممنوع اعلام کردند و در نهایت برای سیطره بر جهان اسلام و ایجاد اختلاف میان مسلمانان آنها را بلای جان سرزمین‌های



اسلامی در منطقه حساس و استراتژیک آسیای غربی کردند. استاد روحانی در این سخنرانی به درستی فرآیند سیطره صهیونیست‌های وحشی و اهداف و انگیزه‌های آنها را تبیین کردند که امید است برای نسل جوان مفید باشد.

فصلنامه پانزده خرداد
سرویس فلسطین

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم. بسم الله الرحمن الرحيم
لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ
بحثم را با چند سؤال آغاز می‌کنم:

۱. چرا فلسطین اشغال شد؟ رژیم صهیونیستی با اشغال فلسطین دنبال چیست و چه می‌خواهد؟

۲. ایران را با فلسطین چه کار است؟ ایران با حمایت همه‌جانبه از فلسطین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

۳. اگر فردایی مردم فلسطین خدای نکرده در مقابل رژیم صهیونیستی تسلیم شوند، سازش کنند و فلسطین را به دشمن اشغالگر واگذار کنند تکلیف ایران چیست؟ ایران چه تصمیمی و چه برنامه‌ای در این زمینه خواهد داشت؟

۴. رژیم صهیونیستی برای ادامه اشغالگری چه ترفندها و توطئه‌ها و چه نقشه‌ها و نیرنگ‌هایی را به کار می‌بندد؟

۵. پیام روز جهانی قدس چه می‌باشد؟

ما می‌دانیم که رژیم صهیونیستی رژیمی سودجو و تاجرپیشه است. اگر در کشوری و در سرزمینی وارد می‌شود طمع مادی و انگیزه مادی دارد؛ بنابراین باید دید روی چه نقشه و انگیزه‌ای در پی اشغال فلسطین برآمد؟ فلسطین که منابع زرخیزی ندارد، نفت و گاز و دیگر منابع حیاتی در آنجا وجود ندارد.

بنابراین صهیونیست‌ها فلسطین را روی چه طمعی اشغال کردند؟!

واقعیت این است که صهیونیست‌ها زمانی به فکر اشغال فلسطین افتادند که بوی نفت به مشامشان رسید. در سال ۱۲۸۴ شمسی در بعضی از مناطق خاورمیانه از جمله ایران نفت کشف شد؛ وقتی صهیونیست‌ها دریافتند که منطقه خاورمیانه سرشار از منابع عظیم نفتی است به یادشان آمد که فلسطین ارض موعود است.^۱

۱. علاوه بر تسلط بر منابع زیرزمینی و نفت این منطقه، سلطه بر آبراه‌های مهم و راهبردی دنیا که در این منطقه وجود دارد و وابسته شدن هر کدام از آنها اقتصاد دنیا متلاطم می‌شود نیز جزء اهداف استعماری صهیونیسم است.



می دانید که صهیونیست ها عموماً انسان های سکولار و بی خدایی هستند. ارض موعود و تورات و... از نظر شان موهوم و مسخره است، ارض موعود را فقط برای فریب یهودیان عوام مطرح کردند تا بتوانند آنها را برای کوچ به فلسطین جذب کنند اما هدف اصلی دست یافتن به مناطق نفتی است. بنابر این رژیم غاصب صهیونیست تنها برای اشغال فلسطین نیامده است بلکه برای مدیریت منابع انرژی و اشغال مراکز نفتی آمده است اما تاکنون در خاکریز اول در مانده شده و نتوانسته است فلسطینیان را سرکوب کند.

اگر رژیم صهیونیستی روزی خدای نخواستہ بتواند فلسطینی ها را سرکوب و قلع و قمع کند یا به سازش و تسلیم بکشاند درنگ نخواهد کرد.

نکته دوم این که ایران در مورد حمایت از فلسطین و مبارزه با رژیم صهیونیستی دنبال چیست؟ و چه انگیزه و اندیشه ای در سر دارد؟ مسئله فقط جنبه اسلامی دارد یا جنبه انسانی؟

ایران از نظر اسلامی وظیفه ای دارد که به یاری فلسطینی ها بشتابد. انسانیت نیز اقتضاء می کند از یاری فلسطینی ها باز نماند اما در خیلی از کشورهای دیگر هم به مسلمانان ظلم می شود. مگر در همین بوسنی هرزگوین بیش از صد هزار نفر را قتل عام نکردند؟ (کشتار سربرنیتسا در بوسنی فقط ۸ هزار قربانی داشت) مگر در میانمار هزاران نفر از زن و کودک و پیر و جوان مسلمان را به خاک و خون نکشیده و آواره نکردند؟

البته در این گونه موارد ایران ساکت نمی نشیند و از طریق مجامع بین المللی، و اتحادیه کشورهای اسلامی و عربی اقدام می کند لیکن برای آن، روز قدس راه نمی اندازد ولی در حد توان جنایات را محکوم می کند و حمایت هایی را که از دستش برمی آید انجام می دهد. در حالی که مسئله فلسطین تنها جنبه اسلامی و انسانی ندارد.

همچنان که در بخش اول در مورد انگیزه صهیونیست ها بیان کردم هدف صهیونیست ها اشغال مراکز نفتی است. اگر اینها فرصت پیدا کنند و فلسطین را مغلوب کنند و آن خاکریز را پشت سر بگذارند درنگ نخواهند کرد که به سوی کشورهای نفت خیز از جمله ایران بیایند و آن روز ما باید در مرز کشور خودمان با صهیونیست ها بجنگیم و به تعبیر حضرت علی (ع) بدبخت ملتی که دست روی دست بگذارد، آنقدر بنشینند تا دشمن وارد خانه اش شود و بخواهد در داخل خانه اش با دشمن مقابله کند.

رژیم صهیونیستی درباره ایران دو هدف دارد که اقتضاء می کند ایران با همه قوا در مقابلش بایستد:

۱. دشمنی با اسلام؛ هدف آنها انتقام از خیبر و انتقام از پیامبر اکرم (ص) است و انتقام از



کسانی است که یهودیان را در خیبر و در مناطق اطراف مدینه سرکوب کردند.^۱ آنها به خوبی دریافته‌اند که اسلام تنها مکتبی است که در برابر تبهکاری‌ها، فزون‌خواهی، جنایت کاری آنها ایستاده است و دیر یا زود ضربه سنگین و نابودکننده‌ای بر آنها وارد خواهد کرد.^۲

در سال ۱۳۳۹ یکی از صهیونیست‌ها مقاله‌ای نوشت که در ایران هم ترجمه شد و جار و جنجالی به پا کرد و در روزنامه کیهان یادم هست که در سلسله مقالاتی به آن پاسخ داده می‌شد.

آن مهره صهیونیستی اعلام کرده بود که ما به امید آن روزی نشستیم که مکه و مدینه را فتح کنیم و انتقام نیاکانمان را از اسلامیان بگیریم.

در سال ۱۳۴۶ که رژیم صهیونیستی در جنگ شش روزه بیت المقدس را اشغال کرد صهیونیست‌ها با ساز و دف و رقص و پایکوبی شعارشان این بود که امروز اورشلیم را که همان بیت المقدس است فتح کردیم و گرفتیم و فردا در خیبر و مدینه از محمد انتقام خواهیم گرفت.

پس نخستین خطر رژیم صهیونیستی برای اساس اسلام و برای مرکز وحی و خانه خداست. به همان نحوی که اینها قبله اول مسلمین را تصرف کردند و در جهت نابودی آن می‌کوشند خدای نکرده فردایی هم ممکن است بخواهند همین برنامه را در خانه خدا و در مرکز وحی پیاده کنند.

حضرت امام (ره) در عراق (۱۳۵۱/۸/۱۹) در سخنرانی خود هشدار دادند و گفتند با این سستی مسلمان‌ها و با این ترفندهای دشمن من نگرانم از این که روزی حکومت یهود بر ما العیاذ بالله مسلط شود؛^۳ پس این خطر اول که اینها با اساس اسلام سر جنگ دارند و تنها مسئله فلسطین نیست و ما نباید موضوع فلسطین را با بوسنی و یا با میانمار و این گونه رویدادها مقایسه کنیم.

خطر دوم برای خود ایران است نه از جهت مسئله نفت، اینها به بخشی از خاک ایران هم طمع دارند. در حدود بیش از دو هزار سال پیش در دوران سلطنت خشایارشا یهودیان

۱. اخیراً یکی از صهیونیست‌ها در شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی اذعان کرده بود که آنچه در ۱۷ اکتبر (طوفان الأقصى) رخ داد، از نظر تاریخی دومین کشتار بزرگ علیه یهودیان پس از نبرد خیبر است. حزقیلی یک خبرنگار و تحلیل‌گر امنیتی است و شدیداً با ایران و مسلمانان دشمنی دارد. او بعد از این اظهارات از شبکه ۱۳ رژیم رفت.

۲. آیت‌الله حسین نوری در روز جمعه یازدهم دی‌ماه ۱۳۸۸ در دیدار با شورای مرکزی و دبیران استانی جامعه اسلامی مهندسين فرمودند: صهیونیست‌ها با این اقدامات خود می‌خواهند انتقام خیبر را از مسلمانان بگیرند... آنها اگر قدرت پیدا کنند به دنبال محو اسلام و مسلمین خواهند بود.

۳. فلسطین از دیدگاه امام خمینی (از مجموعه تبیان)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۲، دفتر چهارم، ص ۷.



در صدد برآمدند که قدرت را در دست بگیرند. البته اینها همیشه این طمع را در ایران داشتند که بتوانند بر حکومت دست پیدا کنند و حکومت را در اختیار بگیرند؛ گاهی خودشان و گاهی به وسیله اذنابشان مثل حزب کثیف بهائیت این نقشه را مطرح کرده‌اند. در حدود دو هزار سال پیش در دوران حکومت خشایارشا خواستند این نقشه را عملی کنند. صدر اعظم خشایارشا به نام هامان خطر را دریافت و در صدد سرکوب اینها برآمد. اینها نقشه‌ای که به کار گرفتند این بود که ملکه محبوب و عفیف شاه به نام وشتی را از دربار راندند و یک دختر یهودی و زیبارو و فریبکاری به نام استر را به خشایارشا پیشکش کردند. این دختر با پنهان کردن مسلک یهودی خود از شاه، به گونه‌ای در دل خشایارشا جا باز کرد که خشایارشا با او ازدواج کرد و او ملکه ایران شد. وقتی او به مقام و قدرت رسید اولین کاری که (همراه با عموی خود مردخای) کرد هامان را از قدرت کنار زد و بعد هم با نامردی او و (ده فرزندی) را به دار زدند و بعد هم سه روز از خشایارشا فرصت گرفت کسانی که در حمایت هامان با یهودیان مبارزه می کردند را قلع و قمع کرد. تا آنجایی که در کتاب استر در عهد عتیق آمده بیش از هفتاد و پنج هزار نفر از ایرانی‌ها را کشتند و این روز را صهیونیست‌ها در هر سال عید می گیرند که نامش عید پوریم است، در این روز شادی می کنند از این که توانستند از ایرانی‌ها انتقام بگیرند.

این عید پوریم آنها در هر چند سال یکبار مصادف است با روز سیزده فروردین ولی هر سال در اسفندماه بر نامه دارند و برخی اسمش را روز ایرانی کشان گذاشته‌اند. جالب این است که در همین چند سال اخیر نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی یک کتابی را به رئیس‌جمهور امریکا (اوباما) داد که نام آن کتاب به فارسی می‌شود *طومار* (نسخه‌ای از کتاب استر در عهد عتیق درباره قتل عام ایرانیان). در این کتاب آمده است که ایرانیان همیشه با یهودیان دشمنی داشتند و ما افتخار می‌کنیم که آنها را در آن مقطع با کمک ملکه استر سرکوب کردیم.^۱

آنها معتقدند که قلمرو حکمرانی استر ملکه خشایارشا از شیراز و همدان است تا بخشی از دشت قزوین و متعلق به یهودیان است و باید به یهودیان برگردد. پس مشکل ما با صهیونیست‌ها تنها دفاع از ملت مظلوم فلسطین نیست و تنها جنبه انسانی ندارد بلکه دفاع از کشورمان نیز می‌باشد.

کسی که واقعاً ایرانی باشد و ایران را بخواهد حتی خدای نکرده اسلام را نخواهد واجب است که از فلسطین دفاع کند. دفاع از فلسطین دفاع از ایران است و حمایت از فلسطینی‌ها حمایت از ایران است.

۱. برای اطلاع بیشتر رک: علیرضا سلطانشاهی، *از جولانگاه/استر تا وادی صهیون*، تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.



کسانی که غیر از این عمل می کنند یا نادان و ناآگاه و یا خائن به کشور هستند. نکته سوم این است که اگر فردا فلسطینی ها در مقابل رژیم صهیونیستی سر تسلیم فرود آورند و یا سرکوب شوند تکلیف ما چیست؟ بعضی از افراد معاند و مغرض زمزمه و وسوسه می کنند این که مگر ما کاسه از آتش داغ تریم؟ مگر ما از فلسطینی ها، فلسطینی تریم؟ اگر آنها سازش کردند ما چه کار داریم؟

باید عرض کنم ما طبق وظیفه اسلامی و انسانی از فلسطینی ها حمایت می کنیم و بر فرض محال اگر فلسطینی ها معامله کردند ما در راه دفاع از ایران و منافع کشورمان و تمامیت ارضی کشورمان به مبارزه با صهیونیست ها ادامه می دهیم. ما با صهیونیست ها دشمنی داریم آنها دشمن اسلام اند و دشمن ایران اند و دشمن بشریت اند و هر قدمی که رژیم صهیونیستی بخواهد جلو بیاید ایران با آن کشوری که با رژیم صهیونیستی بجنگد کمک می کند و از او حمایت می کند. الان هم حمایت ما از سوریه حمایت از ایران و حمایت از تمامیت ارضی ایران است. ما با رژیم صهیونیستی مبارزه آشتی ناپذیر داریم و هرگز کوتاه نمی آییم.

اما در مورد این که رژیم صهیونیستی برای ادامه اشغالگری چه نقشه ها و نیرنگ هایی را دنبال می کند من این موضوع را فقط از این جهت بیان می کنم که تا اندازه ای جریان امروز مصر و سوریه و این خونریزی های خاورمیانه به درستی مشخص شود که چه نقشه ای پشت آن است.

واقع را بخواهید رژیم صهیونیستی یک رژیم بسیار آسیب پذیری است؛ به تعبیر حضرت حجت الاسلام سید حسن نصرالله واقعاً رژیم صهیونیستی او هن من بیت العنکبوت (سست تر از خانه عنکبوت) و بسیار آسیب پذیر است. اگر رژیم صهیونیستی مورد حمله قرار بگیرد یک هفته نمی تواند تحمل کند و از هم می پاشد. رژیم صهیونیستی تاکنون با چند شیوه و شگرد توانسته این اشغالگری و این نظام را سر پا نگهدارد. نخست به وسیله مهره هایی که در اطراف فلسطین گماشته اند. بعد از جنگ جهانی اول رژیم اشغالگر انگلیس و فرانسه و دیگر اشغالگران، برنامه ای پیاده کردند تا بتوانند فلسطین را به صهیونیست ها بدهند. تلاش کردند که در اطراف فلسطین مهره هایی را بگمارند؛ مهره های مزدور و حلقه به گوشی که جز فرمانبری و حلقه به گوشی از استعمار و استکبار هیچ هدفی نداشتند و در عربستان، سعودی های بیابانگرد و ولگرد مزدور را به قدرت رساندند.

هدف رژیم سعودی از آن روزی که به قدرت رسید تا به امروز دفاع از صهیونیست ها است. او آمده که رژیم صهیونیستی را حفظ کند به شیوه های مختلف؛ در اردن ملک عبدالله را و در



عراق ملک فیصل^۱ را گماشتند که از نوکران خانه‌زاد انگلستان بودند.

پس در مرحله اول سعی کردند به وسیله مهره‌هایی در اطراف فلسطین از جمله در ترکیه آتاترک،^۲ در ایران رضاخان، در افغانستان احسان‌الله خان را در مصدر گماردند. و سعی کردند در اطراف فلسطین این مهره‌ها حافظ رژیم صهیونیستی باشند. سرلشگر عبدالکریم قاسم که در سال ۱۳۳۷ در عراق کودتا کرد و رژیم سلطنتی (فیصل) را برانداخت در خاطراتش می‌نویسد که وقتی فلسطین در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸ میلادی) اشغال شده بود ارتش عراق تا تل‌آویو در حال پیشروی بود و در حال فتح آخرین سنگرها بود که از بغداد دستور آمد عقب‌نشینی کنید، شما برای فتح نرفته‌اید. این نخستین توطئه بود که از طریق این گماشته‌ها اجرا شد و تا امروز سعی کردند رژیم صهیونیستی را به همین شکل حفظ کنند. جمال عبدالناصر سخن جالبی داشت و می‌گفت اگر بخواهیم فلسطین را آزاد کنیم اول باید اسرائیل را در کاخ کشورهای عربی سرکوب کنیم بعد به سرزمین فلسطین برویم.

دومین برنامه‌ای که اینها در جهت ادامه اشغالگری به کار بستند حمله پیش‌دستانه و برق‌آسا بود. آنها سعی می‌کنند قبل از این که کشورهای عربی به آنها حمله کنند پیش‌دستی کرده و همه مراکز نظامی جبهه مقابل را از بین ببرند.

در جنگ شش روزه (۱۹۶۷) رژیم صهیونیستی در همان ساعت اول حمله، نیروی هوایی مصر را از کار انداخت. چند روز بعد هم که ادامه پیدا کرد فقط برای ادامه اشغال و تصرف کشورهای مصر و سوریه و اردن بود. در همان شش روز کرانه باختری و بیت‌المقدس را از اردن، ارتفاعات جولان را از سوریه و صحرای سینا و نوار غزه را از مصر گرفتند.

بعد از آن که در جنگ شش روزه قسمتی از خاک کشورهای عربی اشغال شد، ارتش کشورهای عربی از پای درآمد، فلسطینی‌ها فهمیدند که به امید کشورهای دیگر نباید بنشینند و خودشان باید دست به کار شوند. در آن مقطع جنبش الفتح فعالیت خود را تشدید کرد و پایگاه آنها در اردن بود. آنها شروع به حمله کردند و ضربه‌های سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد کردند؛ رژیم صهیونیستی در صدد برآمد که وارد خاک اردن شود و پایگاه فلسطینی‌ها را در هم بکوبد.

در سال ۱۳۴۹ رژیم صهیونیستی حمله‌ای برق‌آسا به اردن کرد که به جنگ کرامه معروف شد؛ کرامه منطقه تنگی بود که تنها یک تانک می‌توانست از آن عبور کند، تانک‌های رژیم

۱. عبدالله و فیصل از فرزندان شریف حسین حاکم حجاز بودند که در معامله با انگلیس پس از فروپاشی عثمانی بر این ممالک مسلط شدند. انگلیس به شریف حسین برای ادامه حکمرانی بر حجاز یا عربستان وفا نکرد و نوکران رام‌تری چون خاندان سعود را جایگزین نمود.

۲. *دائرة المعارف جودائیکا* (یهود)، مصطفی کمال پاشا یا آتاترک را از فرقه «دوئمه» و یهودی‌الاصل می‌داند. برای اطلاع بیشتر رک: علیرضا سلطانشاهی، *پان‌ترکیسم و صهیونیسم*، تهران، تمدن ایرانی، ۱۳۸۶.



صهیونیستی که جلو آمدند و یکی یکی از آن گذشتند، فلسطینی‌ها با یک نارنجک یکی از تانک‌ها را در آن گردنه زدند و از کار انداختند؛ تانک‌هایی که جلو بودند از پشتیبانی نیروی عقب بازماندند و آنهایی که قبل از آن گردنه بودند نمی‌توانستند جلو بیایند یا عقب بروند و راه پس و پیش نداشتند. فلسطینی‌ها بر آنها هجوم برده و شماری را کشتند، صهیونیست‌ها تانک‌ها را گذاشته و فرار کردند و تعدادی هم اسیر، مجروح و کشته دادند و دریافتند که مبارزه با جنبش الفتح برای آنها در دسرساز است و در صدد برآمدند که این خطر را از طریق رژیم اردن حل کنند.

بنابراین ملک حسین قصاب و به اصطلاح پادشاه اردن را به جان فلسطینی‌ها انداختند و جنگی علیه آنها برپا کرد که به سپتامبر سیاه معروف شد؛ در ظرف چند روز بیست و پنج هزار تن از بهترین پارتیزان‌ها و چریک‌های فلسطینی به دست ملک حسین قصاب کشته و (تعداد زیادی) مجروح شدند. در واقع با این طراحی، صهیونیست‌ها بدون پرداخت هزینه شاهد سرکوب الفتح و رفع خطر از این منطقه شدند.

فلسطینی‌ها وقتی که از اردن رانده شدند به لبنان رفتند و در جنوب لبنان پایگاهی برای ضربه زدن به رژیم صهیونیستی تشکیل دادند؛ رژیم صهیونیستی باز به خاطر این که نیروی خودش در آنجا آسیب نبیند و ضربه نخورد فالانژها، مارونی‌ها و دیگر مزدورانی که در لبنان داشتند را به جان فلسطینی‌ها انداختند.

فلسطینی‌ها همراه با دیگر آزادی‌خواهان لبنان در مقابل فالانژها، مارونی‌ها و مسیحی‌های تابن دندان مسلح ایستادگی کردند. از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۵ به طور مستمر فلسطینی‌ها با مزدوران رژیم در لبنان جنگیدند و در خلال این جنگ لبنان که یک زمانی معروف به عروس خاور میانه بود به یک ویرانه تبدیل شد؛ ساختمان‌ها فرو ریخت و کشته‌های زیادی بر جای ماند و رژیم صهیونیستی با خیال آرام نشست و این صحنه را تماشا کرد تا این که پس از حمله سال ۱۹۸۲، فلسطینی‌ها را مجبور کرد که از آنجا هم بیرون بروند و لاجرم به تونس رفتند.

بعد از آن که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید رژیم صهیونیستی احساس کرد که ممکن است امام ارتشی مجهز به مرز فلسطین بیاورد که حتماً این کار را هم می‌کرد و اگر این کار صورت می‌گرفت فلسطین ظرف یکی، دو ماه آزاد می‌شد.

رژیم صهیونیستی برای چنین روزهایی حزب بعث را که در دامان خود پرورانده بود برای حمله به ایران فعال کرد.^۱

حزب بعث عراق همیشه کارش این بوده که در زمان خطر به صحنه بیاید و از رژیم

۱. درباره اینکه حزب بعث چگونه به وجود آمد در کتاب نهضت/امام جلد دوم گزارشات مفصلی وجود دارد.



صهیونیستی حمایت کند. در جنگ کرامه در سال ۱۳۴۹ نیز همین کار را کرد و از پشت به فلسطینی‌ها خنجر زد.

در این زمان صدام به جای این که با رژیم صهیونیستی بجنگد به جنگ ایران می آید. هشت سال نیروهای مسلمان ایران و عراق به خاک و خون کشیده می شوند و بیش از دویست هزار نفر از عزیزان ما در جنگ به شهادت رسیده و مجروح و معلول می شوند و بیشتر یا کمتر از این نیز از نیروهای عراقی کشته شده تا رژیم صهیونیستی بتواند امنیت داشته باشد.

بیداری اسلامی نشان داد که دیگر مهره‌هایی چون حسنی مبارک و ملک حسین و ملک عبدالله کارایی لازم برای رژیم صهیونیستی را ندارند.

بیداری اسلامی خطر جدی برای امنیت رژیم صهیونیستی بود؛ لذا ترفندی که به کار زدند ایجاد و فعال کردن مزدوران خونخواری به نام القاعده، طالبان، النصره، جندالشیطان و داعش بود که دو فایده داشت؛ یکی در کشورهای اسلامی ایجاد جنگ داخلی می کنند و فایده دوم این که بدنام کردن اسلام در دنیا.

وقتی که یک مزدور از گروه النصره سینه سربازی را می درد و قلبش را به دندان می کشد و از آن فیلم برداری شده، در سراسر دنیا پخش شود، هدفی پشت آن وجود دارد. وقتی این فیلم در جهان پخش می شود، دیگر النصره، القاعده و تکفیری و وهابی را کسی نمی شناسد؛ در واقع عملکرد این گروه‌ها به نام اسلام تمام می شود و این که گفته می شود اسلام دین خشونت است، دین خونریزی و سفاکی است. نتیجه این که با این کار رژیم صهیونیستی از خطر جدی رهایی می یابد و مسلمانان با ریختن خون یکدیگر در گیر جنگ داخلی می شوند.

سوریه به خاک و خون کشیده و به ویرانه تبدیل شد، تمام بنیه اقتصادی آن نابود شد، چرا؟ برای این که رژیم صهیونیستی احساس امنیت کند. رژیم صهیونیستی در چند روز پیش تحقق این هدف را اعلان کرد و گفت تا دو سال دیگر امنیت رژیم صهیونیستی و اسرائیل تأمین شد؛ برای این که عراق به حمام خون و سوریه به ویرانه جغد نشین تبدیل شد و در مصر هم که جنگ داخلی آغاز گردید.

در جریان حمله به برج‌های دوقلوی امریکا رئیس جمهور آن روز امریکا، جورج بوش پسر حرفی زد که بعد از آن تکرار نشد اما به آن عمل کردند. او گفت جنگ صلیبی^۱ شروع شده است. یعنی در جنگ‌های صلیبی که بیش از دویست سال طول کشید، در خلال آن مسلمانان را در کشورهای اسلامی به خاک و خون کشیدند و از آن روز که جورج بوش این حرف را زد، تا به امروز (یعنی بعد از حمله به برج‌های دوقلو) در خاورمیانه چه گذشت و چه

۱. سلسله جنگ‌هایی که از سوی رهبران مسیحی و شاهان اروپایی با هدف بازپس گیری سرزمین‌های مقدس از دست مسلمانان طی سال‌های ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ (۴۸۸ تا ۶۹۰ ق.) به راه افتاد.



خونریزی‌هایی شد؛ آن افغانستان، آن پاکستان، آن لبنان، آن سوریه و آن عراق و امروز هم مصر. جنگ صلیبی و کشتار مسلمان‌ها ادامه یافته است تا رژیم صهیونیستی بتواند احساس امنیت کند.

پیام روز جهانی قدس

اولین پیام روز قدس آزادی فلسطین از راه همراهی و هم‌صدایی امت اسلامی است. اگر ملت‌های مسلمان یکپارچه و یک‌صدا به پا خیزند، با سلاح الله اکبر، رژیم صهیونیستی را متلاشی می‌کنند. به همان نحوی که ملت ایران با سلاح ایمان و با شعار الله اکبر نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را منقرض ساخت. به همان نحوی که ملت ایران با دست خالی و با سلاح ایمان دست ابرقدرت‌ها از جمله امریکا را از ایران کوتاه کرد.

به همین نحو می‌توان رژیم صهیونیستی را نیز منهدم کرد. اگر این حرکت، جهانی شود. ملت‌های مسلمان یکپارچه به حرکت دربیایند و با ایمان مجهز باشند (نه این که چشمشان به ابرقدرت‌ها باشد و نه این که به امید ابرقدرت‌ها خواسته باشند قدمی بردارند)، و با توکل به خدا حرکت کنند مسلماً پیش می‌برند و حتی احتیاج به جنگ نظامی هم نیست.

دومین پیام روز قدس آزادی فلسطین با اعلام انزجار و برائت از استکبار جهانی و در رأس آن شیطان بزرگ است، با رفتار مسالمت‌آمیز و یا این که «من از مرگ خوشم نمی‌آید» و «ما باید از زندگی حرف بزنیم» و «من حتی از فحش به دشمن بدم می‌آید»^۱ و این گونه اندیشه‌های خائنانه لیبرالیستی سازشکارانه، نه تنها نمی‌توان فلسطین را آزاد کرد بلکه کشورهای خودمان را هم خدای نکرده از دست خواهیم داد.

سرنوشت رئیس‌جمهور مصر^۲ برای ما درس عبرت است؛ مردم مسلمان و مظلوم مصر به امید قطع دست امریکا و رژیم صهیونیستی به پا خاست و در انقلاب‌شان خواهان بسته شدن سفارت رژیم صهیونیستی و در شعارهایشان خواهان قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و خواهان لغو قرارداد با آن رژیم بودند.

اگر آقای محمد مرسی، رئیس‌جمهور خودباخته مصر دچار اندیشه‌های لیبرالیستی نمی‌شد، به سازشکاری کشیده نمی‌شد، همین خواسته‌های مردم را به کار می‌بست، سفارت رژیم صهیونیستی را تعطیل می‌کرد و قرارداد دوجانبه با صهیونیست‌ها را لغو می‌نمود،

۱. اشاره به گفته‌های رئیس‌جمهور لیبرال آن روز ایران.

۲. محمد مرسی رئیس‌جمهور منتخب مردم مصر از جریان اخوان المسلمین پس از سال‌ها فعالیت و مبارزه اخوان با حکومت مصر، پس از به ثمر نشستن جریان بیداری اسلامی در مصر و خلع حسنی مبارک، به صدارت رسید ولی با عملکرد خود در یک دوره کوتاه نشان داد که هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده است.

بی‌تردید مردم با همه قدرت او را در آغوش گرفته و در کنارش می‌ایستادند. اما او چه کرد؟ برای رژیم صهیونیستی پیامی ننگین فرستاد که حتی مبارک مزدور، این کار را نکرده بود. او رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی را برادر عزیز خطاب کرد! مردم مصر با رؤیت این عملکرد دریافتند که این عنصر خودباخته با عناصر قبلی فرقی نمی‌کند. نه دنیایشان را تأمین کرد و نه آخرتشان را و نه آرمان‌های سیاسی‌شان را تحقق بخشید و نه در جهت منافع آنها کاری در جهت اقتصادی انجام داد، به همین دلیل به او پشت کردند و او نیز سرنگون شد و به زباله‌دان تاریخ رفت.

نتیجه دوری‌گزینی از مکتب اسلام و روی آوردن به اندیشه‌های لیبرالیستی این است و این مسیر عاقبتی ندارد.

امروز کسانی که در کشور ما با بهانه اینکه ما می‌خواهیم با دنیا تعامل داشته باشیم، و معنای تعامل را این می‌دانند که در برابر امریکا کوتاه بیایند و سازش و کرنش و عقب‌نشینی کنند، خوب است که از سرنوشت رئیس‌جمهور فریب خورده مصر عبرت بگیرند. باید بدانند که ملت‌های بیدار و آزاده و آزادیخواه و پیروان ولایت فقیه و اسلام ناب محمدی (ص) و خط امام از سازش کاران و عناصری که خواسته باشند از راه تسامح و تساهل و بازی‌های سیاسی حرکت کنند متنفرند و به اینها اجازه نخواهند داد که حقوق اسلامی این ملت را پایمال کنند.

آخرین پیام روز قدس این است که ملت‌های اسلامی با اراده آهنین و با اراده پولادین و با توکل به خدا و با استقامت و مقاومت می‌توانند تمام توطئه‌ها، ترفندها، نقشه‌ها و نیرنگ‌های استکبار جهانی و عوامل آنها را خنثی سازند و به حقوق حقه ملت فلسطین و آزادی خواهان جهان تحقق ببخشند.

به امید فرا رسیدن روزی که این جمع و دیگر عزیزان در قدس و مسجدالاقصی نماز جمعه برگزار کنند. ان شاء الله



